



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مركز فرهنگي دفتر اهل بيت

سر الصلاة

معراج السالکین و صلوة العارفين

امام خمینی سلام الله علیه

رَشَاحَاتِ كَوْثَرِيَّة

حسین موسوی خوئینی

نخست بار، در ۱۳۶۰ شمسی به همت آقای سید احمد فهری زنجانی^۳ طبع شده است.

شرایط اول انقلاب (و حتی تا قبل از رحلت امام) بیش از این را بر نمی تافته است، لکن اکنون ضرورت طبع سریع و فنی این آثار بیش از پیش احساس می شود.

اخیراً این کتاب به همت «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی» منتشر شده است که از امتیازات بسیاری برخوردار است منجمله: با استفاده از نسخه دستنویس (که در تملک «مؤسسه» می باشد) توانسته اند متنی دقیق و قابل اعتماد فراهم آورند؛ منابع و مصادر اقوال، روایات و آیات استخراج شده است؛ احادیث و عبارتهای عربی ترجمه شده اند؛ پانوشتهای سودمندی در توضیح اعلام و بعضی نکات مبهم اضافه کرده اند؛ فهرس نه گانه راهگشایی ترتیب داده اند و سرانجام متن را از حیث چاپ و نگارش آراسته و ویراسته اند. همچنین مقدمه ای تحلیلی از آیت الله جوادی آملی از اضافات این طبع است.

«سر الصلاة» برای طالبان معارف قرآنی هم غنیمتی است؛ چرا که فی المثل، ایشان به مناسبت، به تفسیر

سر الصلاة (معراج السالکین و الصلاة العارفين). امام خمینی - سلام الله علیه. (چاپ اول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - ره، ۱۳۶۹ ش).

در میان آثار پربار فرهنگ و تمدن اسلامی، از دیرباز تألیفاتی داریم که به موضوع اسرار و آداب نماز می پردازند. در شیعه، بزرگانی چون: رضی الدین ابن طاووس حلی (۶۶۴ق)، شهید ثانی (۹۶۵ق)، محمد سعید بن محمد مفید الشریف القمی، معروف به «قاضی سعید قمی» یا «حکیم کوچک» (متوفی بعد از ۱۱۰۳ق)، سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی (۱۱۲۱ق)، شیخ احمد احسانی (۱۲۴۱ق)، میرزا جواد آقاملکی تبریزی (۱۳۴۴ق) و ...^۱ در این زمینه، قلم زده اند.^۲ و شاید آخرین کسی که در این باره و در سطحی علمی، قلم زده امام خمینی - قدس سره - در «سر الصلاة» باشند که چنان که از خود کتاب برمی آید از تمامی آن آثار، عمیق تر و فنی تر است.

این اثر در سالهای پیش از انقلاب به چاپ نرسیده، و

سوره «حمد» و «اخلاص» پرداخته اند^۴ (که برای دوستداران تفسیر آن حضرت نیز جالب است).^۵
 صدف «سر الصلوة»، چنان آکنده از گوهرهای ارزنده است که یکسره «کشف الاسرار» است. حقیر به مناسبت بضاعت مزاجه، متعرض متن کتاب نمی شوم. آنچه در ذیل می آید شرح تورق (و تا حدودی تصفح) خواننده مشتاقی است که از ملاحظه مطلب عمیق و زلال «سر الصلوة» در این حله متناسب، به سر شوق آمده و...
 آنگاه خود را مدهوش در ساحل معانی بازیافته در حالی که - خسی چون من - از آن یم ناپیدا کرانه، جز خاشاک ساحل، به دست ندارد:

الف - روش تحقیق و تعلیق را یادآور نشده اند. آنچه عجالتاً از متن فهمیدیم اینکه آغاز هر صفحه از نسخه اصل را در متن با شماره صفحه های نسخه مشخص کرده اند؛ اختلاف اشعار و روایات را از حیث نسخه بدل، متذکر شده اند (احادیث را در متن و اشعار را در پانوشته)؛ اگر روایت یا عبارتی در متن تکرار شده باشد، بار اول تعلیق زده اند و دیگر بار به همان شماره پانوشته (سرتاسر متن ۲۰۵ شماره مسلسل دارد) ارجاع داده اند.
 ب - در مقابله ای که با دستنویس شد، خوشبختانه سهوی نبود. الا یک مورد: در صفحه ۱۱ «... از روی تفکر و رویه در مقدمات نیست» آمده که در دستنویس ابتدا چنین بوده اما امام متذکر شده اند که صحیح «... از روی رویه و تفکر در مقدمات نیست» است.

دیگر اینکه، عناوین و سرفصلهایی که امام - ره - در حاشیه نسخه نگاشته اند، نه در متن و نه در فهرست مطالب، درج نشده است.

جز اینها اولاً: برای بعضی اقوال و روایات، مصدری ذکر نشده است، که به شماره پانوشته بعضی از آنها اشاره

می شود:

۱، ۱۶، ۲۷، ۶۹، ۷۴، ۱۲۵، ۱۷۷، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱،

۹۹، ۲۰۰، ۷. همچنین برای حدیث «حب الدنيا رأس کل

خطیئه» مصدری ذکر نشده است.^۸

ثانیاً: در چهار مورد، ارجاع به منابع، کاستیهایی

دارد:

۱ - ص ۱۵، س ۲۶ (پاورقی ۱۹)، بیفزایند: علل

الشرایع، ص ۲۶۱، باب ۱۸۲، حدیث ۹.

۲ - ص ۲۰، س ۲۴ (۲۳)؛ بیفزایند نهج البلاغه،

ص ۱۱۴۲، حکمت ۱۳۱.

۳ - ص ۴۲، س ۱۷ (۵۸)؛ ارجاع دهند به: التهذیب،

ج ۱، ص ۱۹۶ - ۱۹۷ و ص ۲۰۰. الکافی، (۹) ج ۳،

ص ۶۴، کتاب الطهاره «باب الوقت الذی یوجب التیمم»،

حدیث ۴ (با اختلاف در الفاظ).

۴ - ص ۴۲ س ۲۱ (۵۹)؛ بیفزایند: الکافی، ج ۳،

ص ۶۴، کتاب الطهاره «باب الوقت الذی یوجب التیمم»،

حدیث ۷.

ثالثاً: در صفحه ۳۷، شماره ۴۲ زاید است و باید به

شماره ۳۴ ارجاع می دادند: ... قلوبهم للآخرة. ۳۴ د -

همه جا ترجمه روایات و عبارتهای عربی را در پانوشتهها

آورده اند، شایسته بود هر جا حضرتشان ترجمه عبارتها را

در متن آورده و اصل عربی را نیاورده اند، ایشان در

پانوشته می آوردند. جای این کار در پانوشتههای زیر خالی

است: ۱۲، ۱۳، ۲۶، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۷۶، ۹۹،

۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ... ۱۱

ه - در مورد فهارس: اولاً جای فهرست اعلام کتب

(به سبک اعلام اشخاص) خالی است. ثانیاً در صفحه

۱۵۵ (فهرست اعلام)، در مقابل دو مدخل «نراقی»، ملا

احمد و «نراقی، ملا مهدی» به صفحه ۳۵ ارجاع داده اند

که صحیح، صفحه ۴۰ می باشد.

ثالثاً: در صفحه ۱۶۲ (فهرست روایات و ادعیه)، یک حدیث را فهرست نکرده اند: س ۱۰: «... السليم الذي يلقي ربه ... ۳۶» که نتیجتاً «ما من عبد الا وفي قلبه نقطة بيضاء ... ۳۷» باید در سطر ۱۱ بیاید و همین طور الی آخر. رابعاً فهرست روایات و همچنین فهرست اشعار بر خلاف بقیه فهرستها (و حتی فهرست آیات که معمولاً به ترتیب سوره هاست و در اینجا به ترتیب الفباست) به ترتیب صفحه های متن هستند که اصولاً با فلسفه وجودی «فهرست»، منافات دارد.

و اما «فهرست منابع پاورقیها»: خود فهرست اشکالی ندارد، لکن ما را رهنمون به اشکالی دیگر می شود و آن اینکه یکی از مهمترین وسایل تحقیق استفاده از منابعی است که خود از چاپ و تحقیقی نیکو و برتر برخوردار باشند، بسا مشکلات و تصحیفات، که در سایه استفاده از یک چاپ بهتر و صحیح تر برطرف می شوند. لذا در انتخاب بعضی طبعهای مرجوع، باید تجدید نظر کنند:

۱- شایسته بود از متن اصل کتاب «الکافی» استفاده می کردند نه از یک ترجمه میان حال ۱۲، آن هم فقط ترجمه «اصول کافی». شاید نقصی که در پانوشتهای شماره ۵۸ و ۵۹ حاصل شده است ناشی از این باشد که طبع ۸ جلدی اصل، مورد استفاده قرار نگرفته است (این دو روایت در «فروع کافی» آمده اند).

۲- با وجود چاپ مصحح و شایع «کشف المراد ...

۱۳» جای طبعهای سابق نبود.

۳- حال که بحمدالله «مؤسسه آل البيت (ع)، لاجیاء التراث» طبع شایسته ای از «کفایة الاصول» ارائه نموده است، لازم است که از این طبع، استفاده کنیم. جالب آنکه محققان «سر الصلوة» نتوانسته اند برای حدیث «التراب احد الطهورین» ۱۴ مصدری بیابند ولی ما با استفاده از زحمت محققان «کفایة الاصول» مصدر آن را یافتیم. ۱۵

۴- از چاپ سنگی «مستدرک الوسایل» استفاده شده است حال آنکه چاپ ۱۸ جلدی آن - که بهتر از سنگی است - در دست است. ۱۶

۵- در اکثر کتابخانه ها، «من لا یحضره الفقیه» به تصحیح «علی اکبر غفاری» ۱۷ موجود است اما نه تنها از چاپ جدید استفاده نشده است بلکه نسبت به چاپ قدیم ۱۸ هم کم لطفی نموده اند و از چاپی استفاده کرده اند که فقط قدمای طلاب آن را دارند.

۶- در مورد «نهج البلاغه» هم با ادای احترام به روح پر فتوح قیض الاسلام - ره، دیری است که در این وادی، «صبحی صالح» خیمه زده است. ۱۹

و- در صفحه ۱۲ و در ترجمه آیت الله شاه آبادی (م ۱۳۶۹ق) اشتباهی رخ داده است: صاحب جواهر - ره - استاد ایشان نیست بلکه استاد پدر ایشان (میرزا محمد جواد اصفهانی متوفی ۱۳۱۲ق) بوده اند. ۲۰

در پایان، ضمن تبریک به «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام» به خاطر چاپ درخور این کتاب، تذکر دو نکته را مناسب می دانیم:

اولاً: آثار امام - ره - را به ترتیب نگارش به چاپ رسانند، و یا به تعبیر دقیقتر این آثار را به ترتیب نگارش، تحقیق و آنگاه چاپ کنند. که فوایدش بر هیچ کس پنهان نیست.

ثانیاً: در هر کتاب، به ردیابی مطالب نگاشته های سابق امام - ره - بپردازند؛ مثلاً ایشان قبل از تألیف «سر الصلوة»، حداقل کتابهای زیر را نوشته اند: شرح دعاء السحر، مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية، تعلیقات علی «شرح فصوص الحکم» و «مصباح الانس»، اربعین حدیث؛ که در مطاوی «سر الصلوة» به اینها اشاره دارند، پس باید با استمداد از این آثار و احیاناً بعضی آثار دیگر مانند «آداب الصلوة»، «سر الصلوة» را بسط می دادند. این

نسبت به آثار شخصی ایشان است؛ همین روش را هم نسبت به آثار کلیدی فرهنگ اسلام به کار بندند؛ یعنی در تحقیق آثار حضرت امام، به نوشته های زیربنایی و اساسی علمای پیشین اسلامی هم نظری داشت؛ مثلاً می دانیم که همه عارفان از آثار «ابن عربی» و شارحان آن، تأثیر پذیرفته اند، مسلماً امام در همین تألیف مختصر هم تحت تأثیر او و عارفان دیگری چون ملا صدرا، میرزا جواد ملکی تبریزی و آثار استادشان «شاه آبادی» بوده اند و باید حتی الامکان تأثیر آنها و سهمشان در کتاب نمایانده می شد.

«والسلام علی عبادالله الصالحین»

پانوشتها:

- ۱- شیخ آقابزرگ - ره - در الذریعه؛ ج ۲، ص ۴۸ رساله ای را در این باب به «ابن سینا» نسبت می دهد.
- ۲- ر. ک: کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار، ۹۸/۱، ۶۱/۲، ۱۴۲. الذریعه إلى تصانیف الشیعه ج ۲، ص ۴۷ و ۵۴
- ۳- حجت الاسلام فهری از راه تحقیق، تعلیق، شرح، ترجمه و چاپ بسیاری از تألیفات حضرت امام - ره - در ایران و سوریه، مشتاقان را رهین خود ساخته اند و الفضل للمتقدم.
- ۴- سرالصلوة، ص ۸۵ و ۹۴. همچنین در آداب الصلوة، ص ۱۸ و ۲۱۳ به تفسیر این دو سوره و سوره مبارکه «قدر» پرداخته اند. جز این، بخشی از سوره «حمد» پس از انقلاب، توسط ایشان بیان شد که از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، لکن متأسفانه ادامه نیافت. که آیت الله جوادی آملی در نخستین کنگره جهانی حضرت رضا (ع) کنایتاً به علمای مشهد اعتراض کردند که: «... این مرد را قبل آن نفقده بگذارید [و] بخواهید و او هفته ای یک شب هم که شده معارف اسلامی بگوید، تفسیر بگوید، حدیث بگوید، نیم ساعت به این چهل میلیون درس بدهد ...» ر. ک: مجموعه آثار نخستین ...، ص ۹۱. باری متن آن چند جلسه و همچنین یک جلسه تفسیر سوره «علق» در یک جلد چاپ شده است.
- ۵- ر. ک: کیهان اندیشه (۶۶/۲۹-۱۱)

۶- استاد جوادی آملی حق مطلب را در مقدمه ادا نموده اند.

۷- متأسفانه در شماره های ۲۷ و ۲۰۰ که حضرت امام اشاره به مواضعی از دو کتاب مشهور و مطبوع خود (اربعین حدیث، مصباح الهدایة ...) نموده اند، به جای تعیین مواضع (اربعین حدیث، حدیث ۲۷) به توصیف کتب پرداخته اند.

۸- در «الکافی» ج ۲، ص ۳۱۵ (باب حب الدنيا و الحرص علیها، حدیث ۱) به صورت «رأس کل خطیئة الدنيا» از امام صادق - ع - نقل شده که امام - ره - هم در آداب الصلوة (صفحه ۴۹) همین گونه آورده اند، لکن در «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۱، ص ۲۴۸ آن گونه که آورده ایم، آمده و از پیامبر - ص - نقل شده است که این ضبط و این نسبت، مشهور است.

۹- طبع چاپ «فیض الاسلام». اما بنابر طبع دکتر «صبحی صالح»: نهج البلاغه، ص ۴۹۴ (حکمت ۱۳۶).

۱۰- طبع ۸ جلدی به تصحیح «علی اکبر غفاری» که «دارالکتب الاسلامیه»، چاپ نموده است.

۱۱- متأسفانه در فهرست روایات هم، همین ترجمه ها را فهرست کرده اند!

۱۲- البته منظور بی ارزش دانستن کار مرحوم حجة الاسلام دکتر سید جواد مصطفوی خراسانی نیست بلکه می گوئیم آن ترجمه برای کسانی است که در معارف اسلامی دستی ندارند و آنها هم «سرالصلوة» نمی خوانند پس باید از متون مناسب بهره جست.

۱۳- به تصحیح و تعلیق آیت الله حسن زاده آملی که توسط «دفتر انتشارات اسلامی» (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) چاپ شده است.

۱۴- ص ۴۲، شماره ۵۸.

۱۵- کفایة الاصول، ص ۸۵.

۱۶- تحقیق، تعلیق و نشر از «مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث».

۱۷- تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان که «دارالکتب الاسلامیه» در چهار جلد به طبع رسانیده است.

۱۸- تصحیح و تعلیق «محمودبن جعفر موسوی زرنندی» که چاپخانه «آفتاب» در یک جلد قطور رحلی چاپ کرده است.

۱۹- در خبرها حرف از دو تصحیح از نهج البلاغه بود، یکی توسط مرحوم سید جواد مصطفوی و دیگری حجة الاسلام عزیزالله عطاردی که هر دو از بنیاد نهج البلاغه است، منتها یکی در تهران و دیگری در پاریس که ظاهراً اشتباهی پیش آمده باشد.

۲۰- استادزاده (زندگینامه شهید شیخ مهدی شاه آبادی) ص ۱۵-۱۸.